روایت آزاده احمد دواتگر از نحوه شهادت

# «غلامرضا رهبر» نخستین گزارشگر شهید صدا و سیما

شهید غلامرضا رهبر نخستین گزارشگر شهید صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است که روز ۲۱ دی ماه سال ۱۳۶۵ به شهادت رسید. احمد دواتگر آزاده و جانباز دوران دفاع مقدس در خاطره‌ای پیرامون شهادت خبرنگار شهید غلامرضا رهبر روایت می‌کند: در یکی از روزهای عملیات «کربلای ۵» ساعت ۱۰ صبح، گروهی فیلمبردار از بچه‌های صدا و سیما آمده بودند در خط دوم و اصرار داشتند حتما برای فیلمبرداری به خط اول که بیش از یک کیلومتر با ما فاصله داشت، منتقل شوند.

تقریباً دو روزی بود که از شهادت تعدادی از بچه‌ها گردان مکانیزه از لشکر ۲۵ کربلا گذشته بود و حسابی بچه‌های گردان از این بابت ناراحت بودند.... سر تیم این گروه فیلمبرداری از صدا و سیما، با « غلامرضا رهبر» بود که اصرار داشت که با نفربر به خط برود ظاهراً از قبل به آن‌ها گفته شده بود تنها با نفربر می‌شود در این مسیر تردد کرد.

یکی از خشایارها (نوعی نفربر) را پر از مهماتی مثل «خمپاره ۶۰» و «آرپی‌جی» کردیم تا برای خط بفرستیم، آن‌ها چهار نفر بودند و مدام اصرار می‌کردند که همراه همین نفربر خشایار اعزام شوند.به آن‌ها گفتم اعزام شما با این نفربر به صلاح نیست. بمانید و با نفربر بعدی که قرار است به خط برود تا شهدا و مجروحان را به عقب بیاورد، بروید، اما فایده‌ای نداشت. پایشان را داخل یک کفش کرده بودند که حتما با همان نفربر به خط برونند.

اصرار شهید رهبر سبب شد تا آن‌ها را داخل آن نفربر جا دهیم، راننده نفربر را روشن کرد و به سمت خط حرکت کرد، چند باری با بی‌سیم چی آن نفربر تماس داشتم تا اینکه متأسفانه در منطقه سه راه مرگ روی کانال پرورش ماهی شلمچه نفربر پر از مهمات ما توسط هلی کوپتر عراقی مورد اصابت موشک قرار گرفت، بچه‌های گردان درون خط سریع این موضوع را اطلاع دادند.

غروب آن روز سردار «احمد نوریان» مسئول ستاد لشکر به بنده گفت: «دواتگر! با بچه‌های اطلاعات عملیات برو جلو و ببین چگونه می‌توان با نفربر دیگری به خط مهمات برسانیم.» درحالی‌که نم نم باران نیز درحال باریدن بود، با دو نفر از بچه‌های اطلاعات و عملیات با موتور به سمت خط اول حرکت کردم، موتورم هوندا ۱۲۵ بود و آن دو نیز با موتور ۲۵۰ جلوتر از من حرکت می‌کردند، آتش دشمن آن‌قدر سنگین بود که شهادتین خود را گفته بودم، وجب به وجب منطقه با انواع گلوله و خمپاره زده می‌شد، نرسیده به سه راه مرگ، چندین گلوله روی زمین افتاد درحالی‌که با موتور جلویی حدود ۱۰۰ متری فاصله داشتم هر دو نفرشان روی زمین افتادند خودم را به بالای سرشان رساندم اما شدت جراحت آن‌ها آن‌قدر زیاد بود که قبل از رسیدنم به شهادت رسیده بودند.

از آنجایی که جاده کاملا بسته شده بود، موتور را کنار انداختم و حدود ۵۰ متر دویدم و خودم را از لابه‌لای خودروها، تانک و یک لودر سوخته به نفربر سوخته رساندم، از زیر آن که به اندازه ۱ متر در ۱/۵ متر سوراخ شده بود به داخل نفر بر رفتم. نفربر که صبح مورد هدف قرار گرفته بود همچنان داغ به نظر می‌رسید، درحالی که نم‌نم باران مقداری از حرارت آن را گرفته بود، اما اثری از شهدا نبود انگار پیکر مطهر شهدا پودر شده بود، لذا هیچ آثاری از آن‌ها وجود نداشت.

***اگر چه سال‌ها از آن زمان می‌گذرد، اما تا به امروز هیچ آثاری از پیکر مطهر شهید رهبر و همراهانش و دو خدمه آن نفربر نشد. شاید تقدیر این‌گونه باشد که همچنان بایستی منتظر ماند تا بلکه سرانجام خبری از آن‌ها بدست آید**

کمی جلوتر داخل سنگری که بچه‌های لشکر ۲۷ در آن حضور داشتند رفته و از بی‌سیم آن‌ها وارد فرکانس بی‌سیم لشکر شدم و به هر طریقی که بود به آن‌ها گفتم که جاده کاملا بسته شده است، ساعاتی بعد، سه راه مرگ شلمچه به هر طریقی که بود برای عبور یک نفربر باز شد.فردای آن روز، از دکتر ندافی از بچه‌های گردان مکانیزه موضوع هدف قرار گرفتن نفربر پر از مهمات و تیم شهید رهبر را جویا شدم و او اعلان نمود که وی و همراهانش قبل از سه راه مرگ وقتی آتش سنگین دشمن را دیده بودند از نفربر بیرون آمده و حتی ساعاتی از ما فیلمبرداری کرده‌اند و بعداز ظهر وقتی خواستند با یک نفربر پی‌ام پی به عقب بیایند با اصابت گلوله مستقیم تانک به این نفربر به شهادت رسیدند.

مدتی گذشت تا اینکه گروهی دیگر از بچه‌های صدا و سیما آمده بودند تا پیگیر چگونگی شهادت شهید رهبر و دوستانش شوند، ماجرا را برای آن‌ها شرح دادم، تعجب آنها این بود که پیکر مبارک این شهدا چه شده است، باورش برای آنها بسیار سخت بود. اگر چه سال‌ها از آن زمان می‌گذرد، اما تا به امروز هیچ آثاری از پیکر مطهر شهید رهبر و همراهانش و دو خدمه آن نفربر نشد. شاید تقدیر این‌گونه باشد که همچنان بایستی منتظر ماند تا بلکه سرانجام خبری از آن‌ها بدست آید.

قسمت اول

با آزاده جانباز، صفر علی عالی‌نژاد، تا اسارت؛

# ماجرای سه روزی که سه سال گذشت!

*حسن شکیب‌زاده

**اشاره: زندگی جدید**

آزاده سرافراز، صفرعلی عالی‌نژاد یکی از آزادگانی است که با ۳۱۶۱ روز اسارت در زندانهای رژیم بعث، به جرم دفاع از میهن اسلامی ایران، سخت‌ترین روزهای عمرش را تجربه کرد. تجربه‌ای که تا گرفتارش نشوی نمی‌دانی یعنی چه؟

او می‌گوید: در سال ۱۳۵۹ در سن ۱۷ سالگی درحالی‌که در شرکت قفل رضای شهر صنعتی البرز کار می‌کردم به‌طور تصادفی وارد بسیج شدم. در آغاز بیشترین انگیزه‌ام یاد گرفتن اسلحه بود ولی پس از ثبت‌نام در بسیج مسجدالنبی(ص) و بهره‌گیری از بزرگ مردانی همچون مرحوم یزدان‌پناه و استفاده از کلاسهای مختلف به شدت تحت‌تأثیر جریانات انقلاب قرار گرفتم.

پس از پایان آموزش اولیه تقسیم شدیم و هرکس به پایگاه منطقه خود رفت و من هم به پایگاه زینبیه منتقل شدم. در آنجا نیز کلاس‌های احکام، اخلاق و ایدئولوژی همچنان ادامه داشت و من برای اولین‌بار معنویت را به طور عملی مشاهده و تجربه می‌کردم و هم در آنجا بود که با دنیای زیبا و دشوار اخلاص آشنا شدم و نهایتا بعد از یک سال فعالیت در مجموعه‌ی دوست داشتنی بسیجیان پایگاه زینبیه با چند نفر از دوستان مصمم شدیم به کلاس بالاتر که حضور در جبهه‌ها بود قدم بگذاریم.

برای اولین‌بار در سال ۱۳۶۰ عازم جبهه شدیم که بعد از شرکت در عملیات مطلع‌الفجر در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۲۷ به صورتی که شرح آن خواهد آمد در سن ۱۷ سالگی وارد دنیا و زندگی جدیدی به نام اسارت شدم و در تاریخ ۱۳۶۹/۵/۲۶ در سن ۲۶ سالگی بعد از حدود نه سال با کوله‌باری از تجارب که فکر نمی‌کنم در هیچ‌جای دیگر قابل کسب باشد، وارد میهن اسلامی شدم.

***شروع عملیات مطلع الفجر**

صفرعلی عالی‌نژاد از سه روزی که برایش سه سال گذشت می‌گوید و اینکه چگونه در چنگال بعثیون به اسارت در آمد: طولی نکشیدکه عملیات سراسری مطلع‌الفجر در کل منطقه گیلان‌غرب آغاز شد. این عملیات از ۶۰/۹/۲۰ شروع شد و تا چندین روز ادامه داشت، در مرحله اول، ما حدود ۱۵ کیلومتر در دل دشمن برگشتیم.

بعد از دو سه روز استراحت دوباره ما را برای عملیات راهی خط مقدم کردند، قبل از حرکت به هر نفر مقداری جیره خشک مثل انجیر یا خرما دادند و یک توضیح اجمالی از عملیاتی که قرار بود انجام شود. من وصیت نامه‌ام را نوشته و درون کیسه انفرادی گذاشتم و از چادر آمدم بیرون. به دستور فرمانده قمقمه، ساعت و هر وسیله‌ای که ممکن بود در شب برق بزند و از دور قابل شناسایی دشمن باشیم را گل‌مالی و بعد از

***من تنهای تنها شده بودم به سراغ آن دو مجروح رفتم دیدم آنها هم شهید شده‌اند، نمی‌دانستم چه‌کار باید بکنم. از همه طرف تیر و ترکش می‌آمد. صورتم در اثر اصابت ترکش‌های کوچک کاملا خون‌آلود بود ولی زخم جدی برنداشته بودم. با نگاهی به پشت‌سر متوجه شدم در محاصره قرار دارم ولی عراقی‌ها فکر نمی‌کردند در این قسمتی که من قرار داشتم کسی زنده باشد**

پیاده روی کردیم ولی برای محور ما اجازه درگیری صادر نشد و ما همه این راه را بدون آنکه حتی یک تیر شلیک کرده باشیم به مقر

نماز مغرب و عشا حرکت کردیم.

بخشی از راه را با کامیون به صورت چراغ خاموش طی کردیم و سرود معروف "بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی کربلا" را با هم زمزمه می‌کردیم، بقیه راه را هم پیاده رفتیم. خلاصه تا نماز صبح به نقطه مورد نظر رسیدیم. حالا دیگر فاصله ما با عراقی‌ها به کمتر از پانصد متر رسیده بود، به دستور فرمانده با تیمم و بدون درآوردن پوتین به نماز ایستادیم، ولی این نماز با نمازهای دیگر خیلی فرق داشت چون همه می‌دانستند که شاید این آخرین نجوایشان با خداوند مهربان باشد. لذا خلوص خاصی بین بچه‌ها حاکم بود، به طوری که هرکس که در آن صحنه حاضر بود می‌توانست اوج پرواز انسان از خاک به سوی افلاک را به نظاره بنشیند و ببیند.

بعد از نماز برادر "جعفری" فرمانده ما با بی‌سیم تماس گرفت و درخواست آتش‌تهیه کرد و بلافاصله مواضع دشمن زیر آتش توپخانه قرار گرفت. این حجم از گلوله باران را تا آن‌روز به چشم ندیده بودم. قیامتی به پا شده بود. چند دقیقه بعد عملیات شروع شد، تیر بار عراقی‌ها از چند طرف ما را زیر آتش گرفته بود. آر. پی. جی زن‌های ما هم توانستند یکی از آنها که تسلط بیشری روی ما داشت را با شلیک گلوله خاموش کنند، ولی با این حال اوضاع خیلی مناسب به‌نظر نمی‌رسید. گویا عراقی‌ها آمادگی حمله ما را داشتند، از سمتی که من قرار داشتم تا نزدیکی نوک‌تپه پیش رفته بودیم ولی عراقی‌ها از آن بالا با شلیک مستمر تیربار اجازه نزدیک شدن به ما را نمی‌دادند، ماپشت تخته‌سنگ‌ها سنگر گرفته بودیم و تیراندازی می‌کردیم، من هم به‌زودی به آنها می‌پیوندم و نیازی به این چیزها نیست.

***مقاومت بی‌فایده بود، محاصره شدیم**

تا نزدیکی‌های عصر مقاومت کردیم. آقای "کشاورز" حدود ده متر با من فاصله داشت. آخرین بار وقتی سرش را بالا آورد که تیراندازی کند، تیر خورد. البته نمی‌دانم به کجای سرش اصابت کرد فقط دیدم این‌بار آرام‌تر از دفعات قبل سرش را پایین آورد و بین دو زانو قرار داد و به همان حالت باقی‌ماند.

حالا دیگر من تنهای تنها شده بودم. به سراغ آن دو مجروح رفتم دیدم آنها هم شهید شده‌اند، نمی‌دانستم چه‌کار باید بکنم. از همه طرف تیر و ترکش می‌آمد. صورتم در اثر اصابت ترکش‌های کوچک کاملا خون آلود بود ولی زخم جدی برنداشته بودم. با نگاهی به پشت‌سر متوجه شدم در محاصره قرار دارم ولی عراقی‌ها فکر نمی‌کردند در این مکانی که من قرار داشتم کسی هنوز زنده باشد. خیلی خسته بودم با خودم گفتم کمی استراحت می‌کنم و وقتی هوا کاملا تاریک شد راهی برای رهایی از محاصره پیدا می‌کنم.

علیرغم آن همه سر و صداهای وحشتناک حدود یک‌ساعتی به صورت نشسته درحالیکه به تخته سنگی تکیه داده‌بودم خوابیدم. وقتی بیدار شدم هوا کاملا تاریک شده بود، به سراغ کوله‌پشتی یکی از شهدا رفتم، جیره‌ی خشک، قمقمه‌ی آب، نارنجک و خشاب‌هایش را برداشتم چون می‌دانستم حتی اگر بتوانم از محاصره بیرون بروم راهی طولانی تا مقر نیروهای خودی در پیش روی خواهم داشت و چه بسا به علت ناآشنا بودن به منطقه، چندین روز در بیابانها سرگردان بشوم.

***پیکر چند شهید هم در آن نزدیکی به چشم می‌خورد که هیچ کدام را قبلا ندیده بودم. نگاهی هم به اتیکت روی سینه‌هایشان نکردم که ببینم اسمشان چیست یا از کدام شهر اعزام شده‌اند. چون فکر می‌کردم من هم به‌زودی به آنها می‌پیوندم و نیازی به این چیزها نیست**

ادامه دارد...


## مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
## فراخوان واگذاری امورات خدمات شهری شهرداری بانه به صورت حجمی
## (مرحله اول - نوبت اول)

۱۴۰۱/۱۱/۲ - ۲۶۸۲۲

شهرداری بانه در نظر دارد با عنایت به مجوز شماره ۱۵۸۸- ۱۴۰۱/۰۹/۲ شورای اسلامی شهر، فراخوان واگذاری امورات خدمات شهری به صورت حجمی با مبلغ برآورد ماهیانه ۱۶/۹۲۴/۴۰۹/۷۱۰ ریال را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۱/۱۱/۱۲

مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت ۱۹ سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۲

زمان بازگشایی پاکت‌ها: چهارشنبه تاریخ ۱۴۰۱/۱۲/۰۳

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار:

ضمانتنامه بانکی، فیش بانکی (وجه نقد) - مبلغ تضمین: ۱۰/۱۵۴/۶۴۵/۸۲۶ ریال

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:

آدرس - شهرستان بانه، بلوار شهرداری، شهرداری بانه و تلفن ۰۸۷۳۴۲۲۳۰۵۵۰- ۰۸۷۳۴۲۲۲۱۷۱ م الف ۱۳۲

سروه قادرخانزاده
شهردار بانه



### آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی)
### آگهی مزایده پلاک ثبتی ۱۱/۷۶۸۲/۱۰۶۶۸

بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رساند که به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۱۰۰۷۷۰ ششدانگ پلاک ثبتی ده هزار و ششصد و شصت و هشت مفروز و مجزا شده از پلاک هفت هزار و ششصد و هشتاد و دو فرعی از یازده اصلی مذکور واقع در بخش ده بمساحت هشتاد و یک متر و هفتاد و شش صدم مترمربع که در دفتر الکترونیکی ۱۴۰۰۲۰۳۱۷۰۰۸۰۰۳۵۳۶ بنام آقای جهانگیر زیدونی بشماره شناسنامه ۴۷۴ بشماره ملی ۶۶۱۹۵۷۴۱۷۳ ثبت و سند صادر گردیده است محدود به حدود: شمالاً: بطول ۱۰ متر پنجره و دیواریست بفضای حیاط اشتراکی شرقاً: بطول ۸/۹۷ متر دیواریست بفضای پلاک ۱۱/۷۶۸۳ جنوباً: اول بطول ۳/۴۷ متر دیواریست اشتراکی با آپارتمان پلاک ۱۱/۱۰۶۶۷ دوم که غربی است بطول ۱/۲۲ متر سوم بطول ۱/۵۱ متر پنجره و دیواریست به نورگیر اشتراکی چهارم بطول ۵/۰۸ متر در و دیواریست به راه‌پله اشتراکی غرباً: بطول ۷/۷۷ متر دیواریست بفضای پلاک ۱۱/۷۶، پلاک مزبور طبق اسناد رهنی شماره ۱۳۶۷۴ مورخ ۱۳۹۳/۸/۱۵ تنظیمی دفترخانه ۸۸ هندیجان در قبال ۱/۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال و نیز طبق سند رهنی ۲۱۴۴۶ مورخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ تنظیمی دفترخانه ۸۸ هندیجان در قبال مبلغ ۱۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۹ ریال و طبق سند رهنی ۲۵۲۸۱ مورخ ۱۴۰۰/۰۸/۱۳ تنظیمی دفترخانه ۸۸ هندیجان در قبال مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تنظیمی دفترخانه ۸۸ هندیجان در رهن بانک کشاورزی هندیجان قرار گرفته و بدلیل عدم پرداخت بدهی پس از سیر مراحل قانونی و باستناد تقاضای بانک بستانکار طبق نظر کارشناس رسمی در مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۲ به مبلغ هشت میلیارد و پانصد میلیون ریال ارزیابی شده و ارزیابی آن قطعیت یافته پلاک فوق بصورت یک واحد آپارتمان مسکونی واقع در ماهشهر کوی آزادگان خیابان اخلاص روبروی خانه معلم مجتمع مسکونی صدف طبقه اول بوده که شامل دو اتاق خواب با کمد دیواری و هال و پذیرایی و آشپزخانه با کابینت فلزی حمام و سرویس بهداشتی با دیوارهای کاشی و کف سرامیک با سازه اسکلت سقف تیرچه بلوک دیوارهای آجری با دیوارهای داخلی رنگ‌آمیزی شده پنجره‌های فلزی و درب ورودی آهنی می‌باشد قدمت ساخت آپارتمان حدود ۱۵ سال و طبق گزارش کارشناس و مامور اجرا در زمان بازدید مالک در آپارتمان سکونت داشته لذا پلاک فوق از ساعت ۹ الی ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ در اداره ثبت اسناد و املاک ماهشهر - واحد اجرا واقع در ماهشهر خیابان طالقانی جنب اداره مخابرات از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ هشت میلیارد و پانصد میلیون ریال شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می‌شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی‌های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه‌های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم‌عشر و حق مزایده نقداً وصول می‌گردد ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. ضمناً شرکت در جلسه مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و حضور خریدار و یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است مابه‌التفاوت مبلغ فروش را حداکثر ظرف مدت پنج از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد.

م الف ۱۶/۱۷۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۱/۴

سیدمجید موسوی‌فرد
رئیس واحد اجرای اسناد رسمی بندرماهشهر



### آگهی دعوت به افراز

با عنایت باینکه خانم عاطفه قاسمی تقاضای افراز ۲،۰۲۵ دانگ مشاع از ششدانگ پلاک ۱ فرعی از ۲۵۵۰ اصلی بخش یک حومه کاشمر از این اداره نموده است بدین منظور نماینده و نقشه بردار این اداره در ساعت ۱۰ صبح مورخه ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ در محل وقوع ملک حضور خواهند یافت لذا بدینوسلیه از کلیه مالکین مشاعی پلاک فوق دعوت بعمل آمده در ساعت و تاریخ مقرر در محل حضور داشته باشند تا عملیات افرازی با حضور آنان انجام شود، بدهی است عدم حضور مالکین مشاعی مانع عملیات افراز نخواهد شد. م_الف ۲۶۵

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر



### «آگهی فقدان سند مالکیت»

۱۴۰۱/۱۰/۲۸ ۶۰۱۱۳۳۵

وراث مرحوم محمد فتاحی با ارائه یک صفحه گواهی حصر وراثت و یکبرگ گواهی حصر وراثت و استشهاد محلی که به تائید دفتر گواهی امضاء دفتر ۵۴ بانه رسیده مدعی هستند که سند مالکیت مقدار ۸۵/۵ شعیر مشاع از ۹۶ از ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۲۰۱- اصلی واقع در قطعه ۲ بخش هفت بانه که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۲۴۲۳ صفحه ۷۷ دفتر جلد ۱۴ بنام مورث صادر و تسلیم گردیده است، براثر اسباب‌کشی مفقود گردیده است، لذا به استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت و اصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیر اینصورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد. م الف ۱۳۰

کیوان محمودی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه



### آگهی مجمع عمومی فوق العاده شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان اردبیل شماره ثبت ۹۲/۱۷۲ (نوبت سوم)

بدینوسیله به اطلاع اعضاء محترم شرکت تعاونی مسکن فرهنگیان اردبیل میرساند مجمع فوق العاده (نوبت دوم) این شرکت که در روزیکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ساعت ۱۰صبح که در محل مسجد امیرالمومنین(ژاندارمری)برگزار خواهد شد حضور بهم رسانید.

**دستور جلسه** ۱-تطبیق و تصویب اساسنامه اصلاح قانون بخش تعاون ۱۳۹۳، ۲-تغییر آدرس تعاونی۳-تمدید مهلت شرکت۴-تعیین روزنامه کثیرالا انتشارجهت درج آگهی

هیئت مدیره شرکت



### آگهی تغییرات شرکت با مسئولیت محدود آریا ترخیص سپهر به شناسه ملی ۱۴۰۰۶۹۱۵۷۴۱ و به شماره ثبت ۵۱۲۴۸۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد آقای حمید علی پور احدی از شرکاء به شماره ملی ۲۸۰۳۴۹۰۴۷۱ با پرداخت مبلغ ۱۳۶۳۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال به صندوق شرکت سهم الشرکه خود را به مبلغ ۱۴۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش داد. ۲-آقای مهرداد عباسپور باغبانی به شماره ملی ۰۰۱۶۳۵۳۷۰۶ با پرداخت مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به صندوق شرکت در زمره شرکاء در آمد ۳-خانم اعظم ورمزیار به شماره ملی ۲۷۹۰۰۶۴۳۶۹ با پرداخت مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به صندوق شرکت در زمره شرکاء درآمد. ۴-آقای صادق علی پور به شماره ملی ۲۸۰۲۷۹۷۳۹۵ با پرداخت مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به صندوق شرکت در زمره شرکاء در امد -سرمایه شرکت از مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۰۰۳۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال افزایش یافت و ماده مربوط در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. لیست شرکاء پس از افزایش سرمایه به شرح زیر می باشند : آقای حمید علی پور ۲۸۰۳۴۹۰۴۷۱ دارنده مبلغ ۱۴۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال آقای صادق علی پور ۲۸۰۲۷۹۷۳۹۵ دارنده مبلغ ۸۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال آقای مهرداد عباسپور باغبانی ۰۰۱۶۳۵۳۷۰۶ دارنده مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال خانم اعظم ورمزیار ۲۷۹۰۰۶۴۳۶۹ دارنده مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال خانم الناز احمدی شیخ لری ۰۰۱۸۲۹۴۱۹۷ دارنده مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال خانم خدیجه قاسمی ۰۴۵۳۵۳۷۰۷۳ دارنده مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریال آقای محمد اسمعیل نژاد ربطی ۲۸۰۲۸۱۴۶۵۶ دارنده مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۴۴۴۷۷۹)



### آگهی انحلال شرکت سهامی خاص یاوران بسپار پوششها به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۹۵۴۸۸ و به شماره ثبت ۴۲۷۲۴۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۱/۰۹/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شرکت در تاریخ فوق منحل گردید و خانم نوشین عطاریان به شماره ملی ۰۰۸۲۵۴۹۹۳۱ به سمت مدیر تصفیه تعیین گردیدند. نشانی محل تصفیه : خیابان جمالزاده شمالی کوچه خسرو پلاک ۷کدپستی ۱۴۱۸۷۶۳۹۵۱می باشد.

سازمان ثبت اسنادواملاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۱۴۴۴۸۰۱)



### آگهی تحدید حدود اختصاصی

حوزه ثبتی شهرستان کاشمر

پیرو آگهی تحدید حدود قبلی که بموجب مقررات ماده ۱۴ قانون ثبت منتشر گردیده اینک بر حسب درخواست واصله مستند به ماده مذکور و ماده ۶۱ آئین قانون ثبت تحدید حدود یکقسمت از املاک واقع در بخش ۳ حوزه ثبتی این واحد بشرح زیر: ششدانگ ۳ قطعه زمین پلاک های ۸۰۸ و ۸۷۱ و ۱۲۴۸ فرعی از ۵۸_ اصلی بخش سه کاشمر متعلق به ورثه رجبعلی پاداش و غیره در مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۲۵ ساعت ۹ صبح تحدید حدود انجام خواهد شد . لذا بموجب ماده ۱۴ قانون ثبت املاک به صاحبان املاک و مجاورین شماره های فوق الذکر بوسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت مقرر بالا در محل حضور بهم رسانند. چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشند مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی و نیز صاحبان املاک که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی، معترضین می بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. م_الف ۲۶۶

تاریخ انتشار:۱۴۰۱/۱۱/۰۴

احمد جهانگیر_ رئیس ثبت اسناد و املاک کاشمر



### رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای خدارحم ابراهیمی دارای شناسنامه شماره ۲۲۰۳۶ به شرح دادخواست کلاسه ۸۲۴/۱۴۰۱ از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده وچنین توضیح داده که شادروان محمد ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۵۲۰۲ درتاریخ ۱۳۷۷/۲/۷ دراقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ، ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به ۱- ماه نساء حیدری سودجانی به ش ش ۵۲۳ (همسرمتوفی) ۲- سکینه ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۲۲۶۰۱۳ -۳- معصومه ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۱۰۶۳ -۴- سهیلا ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۸۶ - ۵- ثمن گل ابراهیمی به ش ش ۲۴۷ - ۶- محمدرضا ابراهیمی به ش ش ۵۲۰ -۷- علی ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۴۸۶ -۸- حیدر علی ابراهیمی به ش ش ۲۱۱ -۹- قدیر ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۲۹۲ - ۱۰- خدارحم ابراهیمی هفشجانی به ش ش ۲۲۰۳۶ (فرزندان متوفی)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی در خواست مزبور را یک نوبت آگهی می نماید تا هرکسی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه از متوفی نزد اوباشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به این شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

قاضی شورای حل اختلاف شماره ۱۹ هفشجان
نعمت اله سلیمانی



### «آگهی فقدان سند مالکیت»

۱۴۰۱/۱۰/۲۸ ۶۰۱۱۳۳۶

وراث مرحوم محمد فتاحی با ارائه یک صفحه گواهی حصر وراثت و یکبرگ گواهی حصر وراثت و استشهاد محلی که به تائید دفتر گواهی امضاء دفتر ۵۴ بانه رسیده مدعی هستند که سند مالکیت مقدار ۸۵/۵ شعیر مشاع از ۹۶ از ششدانگ یکباب خانه تحت پلاک ۲۰۰- اصلی واقع در قطعه ۲ بخش هفت بانه که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۲۴۲۳ صفحه ۷۷ دفتر جلد ۱۴ بنام مورث صادر و تسلیم گردیده است، براثر اسباب‌کشی مفقود گردیده است، لذا به استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت و اصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هرکس مدعی انجام معامله می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیر اینصورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد. م الف ۱۳۱

کیوان محمودی ــ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه